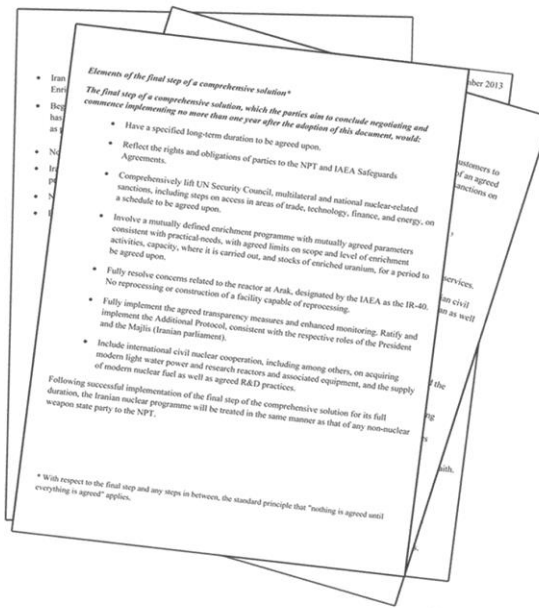




Geneva, 10 November 2013  
131110/01

## JOINT STATEMENT

by EU High Representative Catherine Ashton and Foreign Minister  
Zarif following the meeting of the E3/EU+3 with Iran, 07-10  
November 2013



# رمزگشایی از ابهامات توافق نامه ژنو

بررسی محتوایی توافق نامه ایران با گروه ۱+۵ در آذرماه ۹۲

بسیج مدرسه علمیه معصومیه (س)

یکی از دغدغه های اساسی مردم هر کشور اطلاع از نحوه حراست دائمی حاکمیت از منافع ملی شان است. توافقاتی که طی چند هفته ی اخیر با عنوان مذاکرات هسته ای در عرصه سیاست خارجی کشور نمود یافته است ، یکی از مقاطع تعیین کننده در به سرانجام رسیدن یک دهه پافشاری مردم ایران در دستیابی به یکی از اساسی ترین حقوق و منافع تاریخی خود با عنوان انرژی هسته ای است . توافق ژنو بیش از آنکه منطق هسته ای یا امنیت ملی داشته باشد، دارای ابعاد اجتماعی است. در واقع در این توافق، قبل از هر چیز بایستی به یک نیاز اجتماعی پاسخ داده شده باشد. اما به نظر می رسد هرچه بیش تر از زمان این توافق سپری می گردد، ابهامات نسبت به این توافق در میان اقشار مختلف بیشتر نمود می یابد. اطلاعات نادرست یا ناقص از توافقات صورت گرفته ممکن است در بلندمدت منجر به تأثیرات منفی در سطح انتظار جامعه گردد و چنانچه این انتظار بر مبنای درستی شکل نگرفته باشد، و بستر تحقق آن فراهم نباشد، نتیجه آن جز بی اعتمادی اجتماعی نخواهد بود.

در این سطور برآنیم تا با نگاهی مدقانه و به دور از جنجال های سیاسی متن توافق نامه بین ایران و گروه ۵+۱ را برانداز نموده و بدون پرداختن به موضوعات حاشیه ای به دنبال پاسخ به سؤالات کلیدی ای باشیم که یک دهه است با آن ها دست به گریبان هستیم. به طور کلی محوری ترین ابعاد موجود در روح این توافق نامه با عناوین روبرو قابل بررسی است:

| عنوان                             | صفحه |
|-----------------------------------|------|
| بودن یا نبودن حق غنی سازی         | ۳    |
| اصل بقای تحریم                    | ۸    |
| خلع سلاح ایران در مذاکرات نهایی   | ۱۶   |
| اگر مذاکرات به نتیجه نرسد         | ۱۹   |
| هدف از دوره زمانی طولانی مدت      | ۲۰   |
| آیا ایران حق وتو دارد؟            | ۲۰   |
| آیا حق غنی سازی ۵ درصد تثبیت شده؟ | ۲۲   |
| تکلیف بازفرآوری چه می شود؟        | ۲۴   |
| توافق ژنو و شبکه تامین            | ۲۴   |
| تحریم های جدید امریکا و           |      |

## ❖ بودن یا نبودن حق غنی سازی در توافق نامه

هنوز ۵ دقیقه از اعلام توافق هسته ای نگذشته بود، که طرفین مذاکره کننده به اظهارنظرهای متناقض در مورد حق غنی سازی و وجود آن در توافق نامه پرداختند. آیا واقعا این توافق نامه حق غنی سازی ایران را به رسمیت شناخته است؟ آیا بر اساس آن آمریکا ملزم شده است به این حق اذعان کند؟ برای یافتن پاسخ روشن برای این پرسش، نیاز است تا بدانیم:

### ۱- حق غنی سازی چگونه تعریف می شود و شامل چه مواردی می گردد؟

منشاء حق غنی سازی، ماده ۴ معاهده ی ان پی تی است. این معاهده مشتمل بر ۱۱ ماده است که بر اساس ماده ۴ حق کلیه کشورها برای توسعه فعالیت های صلح آمیز هسته ای به رسمیت شناخته شده است: ماده ۴ عبارت است از:

هیچ یک از مفاد این معاهده به نحوی تفسیر نخواهد گردید که به حقوق غیر قابل انکار هر یک از اعضای آن به منظور توسعه تحقیقات، تولید و بهره برداری از انرژی هسته ای جهت اهداف صلح جویانه بدون هر نوع تبعیض و منطبق با مواد ۱ و ۲ این معاهده، خللی وارد نماید.

پس معاهده عدم گسترش سلاح های هسته ای، می گوید شما تحقیقات بکنید، تولید و استفاده هم بکنید، منعی هم ندارد. فقط گفته است که باید فعالیت ها صلح آمیز باشد. طبق تفسیر و مصوب همه کشورهای عضو؛ حقوق هسته ای شامل برقراری چرخه سوخت می باشد. بنابراین وقتی می گویند فلان کشور از حق هسته ای اش برخوردار شد، یعنی می تواند تمام مراحل این چرخه را انجام دهد. این چرخه از ۷ مرحله تشکیل شده است:

- ✓ **مرحله اول:** استخراج سنگ معدن اورانیوم، جداسازی و تخلیص
- ✓ **مرحله دوم:** تبدیل کیک زرد به اورانیوم غنی شده
- ✓ **مرحله سوم:** تبدیل UF<sub>6</sub> به اکسید اورانیوم
- ✓ **مرحله چهارم:** انتقال میله های سوخت به نیروگاه
- ✓ **مرحله پنجم:** مصرف سوخت و تولید انرژی
- ✓ **مرحله ششم:** انبار کردن سوخت و سرد شدن آن
- ✓ **مرحله هفتم:** انتقال سوخت مصرف شده به تأسیسات باز فرآوری و بازفرآوری آن

## ۲- تفاوت حقوقی دو عبارت « حق غنی سازی » و « برنامه غنی سازی »

از لحاظ حقوقی بین عبارات حق غنی سازی (right to enrich) و برنامه غنی سازی (enrichment programme) و حق انرژی هسته ای (right to nuclear energy) تفاوت زیادی وجود دارد. «حق غنی سازی» محل مناقشه ی طرفین است و آن جایی از متن که به آن اشاره می شود، چند قید خورده است که عملاً ماهیتش تغییر می کند.

توافق نامه می گوید ایران می تواند در یک دوره برنامه ی غنی سازی داشته باشد. ولی این برنامه ی غنی سازی اساساً با حق غنی سازی متفاوت است. تفاوت آن ها همانند تفاوت این است که شما یک ماشین داشته باشید و هر استفاده ای خواستید از آن بکنید، با این که شما ماشینی از خود نداشته باشید ولی با یک ماشین کرایه ای تنها اجازه داشته باشید یک دور بنزید. این دو حالت به قاعده زمین تا آسمان از لحاظ حقوقی تفاوت دارند! در همین راستا بخشی از مصاحبه جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۳، با شبکه ای بی سی را از نظر می گذرانیم:

جورج استفانوپولوس، تحلیلگر و مجری ای بی سی: آقای کری متشکرم که به برنامه ما آمیدید. سؤال بزرگی که اکنون درباره توافق هسته ای بین ایران و ۵+۱ وجود دارد این است: آیا این توافق واقعاً جلوی پیشرفت برنامه هسته ای ایران را می گیرد؟

جان کری: «مسئلاً با توافق اخیر انجام شده اسرائیل ایمن تر خواهد بود. پس از این توافق، ذخیره اورانیوم ۲۰ درصد ایران از بین می رود؛ بنابراین خطر آن از بین می رود. ذخیره اورانیوم ۳٫۵ درصدی این کشور در حد کنونی ثابت می ماند و از پیشرفت این برنامه و نصب سانتریفیوژهای جدید جلوگیری می شود. ما می توانیم نظارت روزانه داشته باشیم.»

مجری: اما سانتریفیوژها از بین نمی روند!

جان کری: نه. این مرحله بعدی است. این پیشنهاد یعنی اینکه در مذاکره به ایرانی ها بگوییم باید برنامه هسته ای خود را حتی قبل از این که متوقف کنید، از بین ببرید. در این صورت حتی همان زمانی هم که بحث درباره از بین بردن این برنامه است، ایران به پیشرفت خود ادامه می دهد. ما به کمک تحریم هایی که کنگره تصویب کرد توانسته ایم آن ها را در مرحله کنونی نگه داریم و مجبور به بازگشت به عقب کنیم. در طول این شش ماه هم درباره از بین بردن تجهیزات با آن ها مذاکره خواهیم کرد؛ درباره محدودیت ها صحبت می کنیم.

مجری: درباره حق غنی سازی هم تفاوت بسیار واضحی بین آمریکا و ایران وجود دارد. شما می گوید توافقنامه این حق را به رسمیت نمی شناسد. وزیر خارجه ایران می گوید این حق در دو جای مختلف توافقنامه برای ایران قائل شده است. موضع آمریکا چیست؟

جان کری : نه. هیچ حق غنی سازی وجود ندارد. ما حق غنی سازی را به رسمیت نمی شناسیم. در پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای به وضوح آمده است. بسیار بسیار شفاف گفته شده که حق غنی سازی وجود ندارد. اما بنا به مفاد این توافقنامه درباره این موضوع مذاکره خواهیم کرد که آیا ایران می تواند برنامه ای بسیار مختصر، کاملاً قابل بررسی و بی نهایت محدود داشته باشد تا با آن تحقیقات پزشکی یا کارهای دیگر انجام دهد یا نه. اما هیچ حق از پیش تعیین شده ای وجود ندارد. همه جا در همین توافقنامه هم نوشته شده که تنها در صورت توافق دو جانبه می توانند این گونه برنامه را داشته باشند، و درباره هیچ چیزی هم توافق نمی شود مگر آن که درباره همه چیز توافق شود. این جملات حداقل دو بار در دو جای مهم توافقنامه آمده است. بنابراین هیچ توافقی نشده که می توانند غنی سازی کنند. این امکان را دارند که درباره غنی سازی مذاکره کنند؛ اما تنها ممکن است به ظرفیتی محدود در غنی سازی، مثل کشورهای دیگر، دست پیدا کنند؛ به شرط آن که به همه آنچه برای اثبات صلح آمیز بودن برنامه هسته ایشان لازم است، پایبند باشند. بنابراین ایران برای رسیدن به غنی سازی باید موانع بسیار دشواری را از پیش رو بردارد. هیچ حقی وجود ندارد و این توافقنامه هم هیچ حقی قائل نمی شود.

### ۳- متن توافقنامه در مورد غنی سازی چه می گوید؟

در توافقنامه ژنو، دو بار به برنامه غنی سازی ایران اشاره شده است. یک بار در مقدمه و یک بار در بخش پایانی. در مقدمه چنین آمده است: « این راه حل جامع دربرگیرنده یک برنامه غنی سازی که توسط طرفین تعریف شده با محدودیت های عملی و اقدام های شفاف ساز برای کسب اطمینان از ماهیت صلح آمیز این برنامه است.»

This comprehensive solution would involve a mutually defined enrichment programme with practical limits and transparency measures to ensure the peaceful nature of the programme.

در بخش پایانی نیز آمده است: «[گام نهایی باید] متضمن یک برنامه غنی سازی باشد که توسط طرفین تعریف می گردد، برنامه ای که شاخصه های آن با موافقت طرفین، منطبق با نیازهای عملی، با محدودیت های مورد توافق در خصوص دامنه و سطح فعالیت های غنی سازی، ظرفیت غنی سازی، محل هایی که در آن غنی سازی انجام می شود و ذخایر اورانیوم غنی شده، برای دوره زمانی که مورد توافق قرار می گیرد، تعیین می گردد.»

Involve a mutually defined enrichment programme with mutually agreed parameters consistent with practical needs, with agreed limits on scope and level of enrichment activities, capacity, where it is carried out, and stocks of enriched uranium, for a period to be agreed upon.

بر اساس این جملات، غنی‌سازی ایران در گام نهایی که زمان آن درازمدت و مورد توافق طرفین است، محدود به گزاره‌های ذیل است:

✓ **اول**، تعریف مشترک مورد توافق طرفین

✓ **دوم**، محدودیت‌های عملی

✓ **سوم**، اقدامات شفاف‌ساز

✓ **چهارم**، انطباق با نیازهای عملی

✓ **پنجم**، محدودیت‌های مورد توافق

✓ **ششم**، دامنه، سطح فعالیت، ظرفیت، ذخایر و محل‌های محدود که باید به صورت دوجانبه تعیین شوند.

بنابراین در این خصوص نکات زیر را باید ملحوظ داشت:

الف- با این توافقنامه تعریف غنی‌سازی ایران از چارچوب صرف ان‌پی‌تی به مدت طولانی خارج شده و در تعریف و تبیین اندازه و شکل غنی‌سازی قابل انجام در ایران، بر اساس سند ژنو باید طرفین توافق بکنند و با توجه به فشاری که از جانب تحریم‌های بانکی و نفتی بر روی ایران است و با توجه به این مطلب که گذر زمان به ضرر ایران و به نفع غرب است، این شرایط می‌تواند بسیار خطرناک باشد.

ب- مفاهیم «نیازهای عملی و محدودیت‌های عملی» مفاهیمی غیرروشن و تفسیرپذیر است. طرف غربی در مسیر ابداع تعریف مشترک، قادر خواهد بود از این دو مفهوم برای محدود کردن حق غنی‌سازی ایران استفاده کند. به‌طور مثال، ایران در تعریف میزان غنی‌سازی مورد نیاز خود، عملاً نظر طرف‌های بین‌المللی را بر اساس این توافق به رسمیت شناخته است. آن‌ها می‌توانند تعیین‌کننده باشند که چه مقدار غنی‌سازی مورد نیاز ایران است و بدون توافق آن‌ها غنی‌سازی برای ایران قابل تعریف نیست.

برای نمونه:

اوباما رئیس‌جمهور امریکا، در تاریخ ۷ دسامبر ۲۰۱۳، در کنفرانس سالانه مرکز سابان در موسسه بروکینگز می‌گوید: «ما می‌دانیم که آنها به یک مرکز مستحکم زیرزمینی مثل فردو برای برنامه صلح آمیز هسته‌ای نیازی ندارند. آنها قطعاً به یک رآکتور آب سنگین در اراک برای برنامه صلح آمیز هسته‌ای نیاز ندارند. آنها به سانتریفوژهای پیشرفته‌ای که الان دارند، برای یک برنامه محدود صلح آمیز هسته‌ای نیاز ندارند. از این رو سوال این است که آیا آنها حاضرند بخشی از پیشرفت‌هایشان را که در یک برنامه محدود و صلح آمیز هسته‌ای قابل توجیه نیست و فقط نشانه تمایل آنها برای رفتن به سمت مرحله آستانه هسته‌ای است، کنار بگذارند. و اگر ما بتوانیم این پیشرفت‌ها را به طور قابل ملاحظه به عقب برانیم، صاحب پیروزی نهایی شده ایم.»

البته ممکن است تصور شود حق هسته ای ایران بر طبق معاهده ان پی تی، در مقدمه توافق نامه به رسمیت شناخته شده است:

This comprehensive solution would enable Iran to fully enjoy its right to nuclear energy for peaceful purposes under the relevant articles of the NPT in conformity with its obligations therein.

ولی همان طور که ذکر شد « انرژي هسته ای » و « حق غنی سازی » دو واژه و مفهوم متفاوت اند. یعنی ممکن است آمریکا بگوید ما اورانیوم غنی شده را به شما می دهیم تا در رآکتور های خود استفاده کنید ولی « حق غنی سازی » ندارید.

در صحبت های جان کری هم مشخص است که آمریکا طبق تفسیری که از معاهده ان پی تی دارد، حق غنی سازی را برای هیچ کس به رسمیت نمی شناسد و فقط حق انرژي هسته ای را به رسمیت می شناسند. ممکن است کسی بگوید که چه اشکالی دارد که سوخت خود را از کشور های دیگر تامین کنیم و از حق غنی سازی بگذریم؟ در پاسخ باید به این نکته اشاره کرد که کافی است تا در کوچکترین مساله ای محتاج به غرب شویم تا استقلال کشور در آینده مورد مخاطره قرار گیرد. آمریکایی ها می خواهند به هر شکلی که شده به آنها محتاج باشیم، تا بتوانند استقلال ایران را خدشه دار کرده، بر روی سیاست گذاری های کلان ایران در منطقه و جهان مسلط شده و ایران را وادار کنند در موارد مختلف مطابق میل آنها تصمیم گیری کند.

جان کری در همان مصاحبه با شبکه ان بی سی می گوید:

« البته بنا به ان پی تی ایران یک حق دارد. بگذارید این را هم بگویم. ایران یک حق را دارد، هر کشوری این حق را دارد، اگر عضو ان پی تی باشید حق برخورداری از برنامه هسته ای صلح آمیز را دارید. این حق در ان پی تی تعیین شده است؛ اما برنامه هسته ای صلح آمیز به معنای حق غنی سازی نیست.»

البته ممکن است برای برخی تصور شود که تفسیر آمریکا اهمیتی ندارد و ما مطابق ان پی تی حق داریم و حق خود را اعمال می نمایم، ولی باید گفت اولاً ما در مذاکرات رفته بودیم تا همین اختلافات را حل نموده و طرف مقابل به حق ما در این زمینه اذعان نمایند و الاً برای خودمان که شبهه ای در مورد حق غنی سازی وجود نداشت. ثانیاً پس از توافق صورت گرفته، متن موجود، به لحاظ حقوق بین الملل سند بالادستی معاهده ان پی تی خواهد بود و مرجع تفاسیر حقوقی قرار خواهد گرفت.

## ❖ اصل بقای تحریم

تحریم ایران از بین نمی رود بلکه از شکلی به شکل دیگر تبدیل می شود! مشخص است که هدف اصلی ایران در این مذاکرات، برداشتن تحریم های مالی و نفتی تحمیل شده بر ایران بوده است. متاسفانه این هدف حتی در گام نهایی توافق نامه نیز محقق نمی شود.

در متن چهار صفحه ای توافق نامه، هر جا کلمه تحریم ها (sanctions) به میان آمده است، عبارت هسته ای (nuclear-related) با آن همراه شده است. به عبارت دیگر در گام نهایی، و پس از انجام تمام تعهدات بر اساس توافق نامه، فقط تحریم های هسته ای سازمان ملل، تحریم های هسته ای چندجانبه و تحریم های هسته ای یکجانبه امریکا برداشته خواهد شد و در نتیجه تحریم های بانکی و نفتی مصوب کنگره آمریکا، در جای خود محفوظ خواهد ماند.

توجه به این نکته لازم است که در متن تحریم های نفتی و بانکی که توسط کنگره امریکا به تصویب رسیده است، جدای از موضوع هسته ای، ادعاهایی در رابطه با حقوق بشر و حمایت ایران از تروریسم مطرح شده است. حقیقت امر این است که تحریم های نفتی و بانکی با سه بهانه به تصویب رسیده اند، بنابراین، حتی اگر ایران برنامه هسته ای خود را به طور کامل و برای همیشه متوقف کند، آمریکا بدون نقض توافق نامه ژنو می تواند با دو بهانه دیگر خود یعنی موضوعات حقوق بشر و حمایت از تروریسم، به تحریم های بانکی و نفتی که بیشترین مشکل را برای مردم ایجاد کرده است، ادامه دهد!

این نکته ای است که :

وندی شرمین معاون وزیر خارجه آمریکا، در جلسه استماع کمیسیون روابط خارجی سنای امریکا در تاریخ ۱۱ مهر ۱۳۹۲ (۳ اکتبر ۲۰۱۳) بیان می نماید:

« ما با ایرانیها شفاف بوده ایم و گفته ایم که در اینجا در مورد برنامه هسته ای شان و تحریم هایی که مربوط به برنامه هسته ای آنهاست، صحبت میکنیم؛ و خاطرنشان ساختیم تحریم های موجود در مورد حقوق بشر و تروریسم همچنان بر روی میز است.»

وندی شرمین این موضوع را بار دیگر در جلسه استماع ۲۱ آذر ۱۳۹۲ (۱۲ دسامبر ۲۰۱۳) و این بار در کمیسیون بانکداری سنای آمریکا تکرار می نماید که:



« ما به ایران گفته‌ایم که همچنان به اجرای تمام تحریم‌های موجود ادامه خواهیم داد و گفته‌ایم که این توافق نامه تنها به تحریم‌های هسته‌ای جدید در قالب آنچه که ما، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد، چشم پوشی خواهیم کرد، اشاره می‌کند. »

گفتنی است در عمل برای لغو تحریم‌های نفتی و بانکی حتی با فرض پذیرفتن تمامی نظرات مقامات امریکایی در حوزه حقوق بشر و تروریسم، در نهایت باید اکثریت اعضای کنگره قانون دیگری را تصویب کنند که قانون تحریم‌ها را نقض کند. زیرا بر اساس ساختار سیاسی حاکم در آمریکا، رئیس جمهور نمی‌تواند قوانین موجود را نقض و یا از اجرای آن سر باز زند. البته تحقق این فرآیند با توجه به نفوذ لابی اسرائیل در کنگره محال است.

### میزان کاهش تحریم در متن توافق نامه

بخشی از این توافق‌نامه به کاهش تحریم‌های اعمال شده علیه ایران می‌پردازد. در این بخش تلاش می‌شود تا بندهای مربوط به تعهدات ۱+۵ در کاهش تحریم‌های ایران مورد بررسی قرار گیرد:

الف) بند اول

این بند می‌گوید:

«توقف تلاش برای کاهش خرید نفت خام ایران، به نحوی که مشتریان فعلی بتوانند میانگین میزان کنونی خرید نفت خام خود را از ایران، کماکان ادامه دهند. بازگشت مبالغ توافقی از عواید فروش نفت ایران در خارج از کشور به ایران. در مورد معاملات نفتی مذکور، تحریم‌های اتحادیه اروپا و آمریکا بر بیمه و خدمات حمل و نقل مرتبط، تعلیق می‌شوند.»

Pause efforts to further reduce Iran's crude oil sales, enabling Iran's current customers to purchase their current average amounts of crude oil. Enable the repatriation of an agreed amount of revenue held abroad. For such oil sales, suspend the EU and U.S. sanctions on associated insurance and transportation services.

برای درک بهتر از معنای این بند لازم است تا تحریم‌های اعمال شده علیه صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران بررسی شود.

تحریم‌های اعمال شده علیه صنعت نفت ایران را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱- تحریم‌های مربوط به بخش تولید نفت

۲- تحریم‌های مربوط به فروش نفت

• حال بصورت جزئی موارد فوق را بررسی می‌نمائیم:

۱- تحریم‌های مربوط به بخش تولید نفت

از قدیم بخش تولید نفت ایران با تحریم‌های یک جانبه آمریکا روبه رو بوده است. مهم‌ترین این تحریم‌ها قانون تحریم ایران و لیبی (ILSA) است که در سال ۱۹۹۶ تصویب شد. در این قانون هیچ شرکت خارجی حق سرمایه‌گذاری بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال را در صنایع نفت ایران نداشت. هرچند اجرای این قانون تا اوایل ۲۰۰۶ تعلیق شد، اما در تحریم‌های جدید اجرای آن به طور جدی اجرا شد و گام به گام شدیدتر شد. این تحریم‌ها به منظور کاهش تولید نفت ایران و جلوگیری از توسعه صنعت نفت ایران اعمال شده است. این تحریم‌ها در توافق‌نامه ژنو مورد اشاره قرار نگرفته است.

## ۲- تحریم‌های مربوط به بخش فروش نفت ایران

در تبیین تحریم‌های اعمال شده در بخش فروش نفت ایران، همان گونه که بیان شد تحریم‌ها به سه قسمت تقسیم می‌شوند که در هر کدام از این قسمت‌ها تحریم‌هایی از سوی آمریکا اعمال شده است.

### ۱-۲ تحریم‌های مربوط به عرضه نفت

بر اساس «قانون اختیارات دفاع ملی» آمریکا برای سال مالی ۲۰۱۲ و دستور اجرایی شماره ۱۳۵۹۹ رئیس جمهور آمریکا، کشورهای وارد کننده نفت ایران باید در بازه‌های زمانی ۶ ماه یکبار، میزان قابل توجهی از واردات نفت خود را به صورت مستمر کاهش دهند، این قانون از بهمن ماه ۱۳۹۰ اجرایی شد و وزارت خزانه داری آمریکا در گزارش‌های شش ماهه با بررسی میزان واردات نفت ایران توسط کشورهای هدف، میزان کاهش آنها را بررسی کرده و در صورت رعایت قانون فوق اجازه ادامه واردات در شش ماه بعد را به آن کشور می‌داد.

این قانون علاوه بر کاهش مستمر عرضه نفت ایران که در نهایت به سمت صفر سوق داده می‌شد، سبب کانالیزه شدن فروش نفت ایران و افزایش توانایی کنترل بر آن را به آمریکا می‌داد.

بر اساس توافق‌نامه ژنو آمریکا متعهد شده است که مسیر کاهشی فوق را موقتا متوقف کند و کشورهای وارد کننده نفت ایران، به میزان متوسط خرید نفتی که در حال حاضر دارند، در شش ماه آینده نیز داشته باشند.

باید توجه داشت که این بخش از امتیازات دو وجه دارد. یک وجه آنکه ایران را در بازارهای نفت جهانی نگه می‌دارد که یک امر مثبتی است، اما وجه دیگر آن به نفع مصرف کنندگان نفت و ثبات بازار جهانی نفت است. همه

از این مطلب آگاهند که شش ماه آینده فصل سرما را در برمی‌گیرد و در نتیجه تقاضای نفت در بازار جهانی افزایش

می‌یابد. در هنگام افزایش تقاضا، عدم کاهش میزان عرضه نفت ایران در بازارهای جهانی، به معنای افزایش ثبات در

این مقطع پرتقاضا خواهد بود و این در راستای دغدغه آمریکا یعنی حفظ ثبات بازار انرژی جهان است. به عبارت

دیگر اگر اجازه فروش نفت به ایران داده نمی‌شد، عملا بازار جهانی به علت کاهش عرضه نفت، دچار تلاطم می‌شد و

این چیزی است که آمریکا از آن گریزان است.

### ۲-۲- تحریم‌های مربوط به حمل و نقل نفت

در بخشی از تحریم‌های یک جانبه آمریکا و چند جانبه اتحادیه اروپا علیه ایران، بخش حمل و نقل نفت ایران هدف قرار داده شده است. در «قانون جامع تحریم ایران» و «قانون کاهش تهدید ایران» موارد مربوط به حمل نقل نفت ایران از جمله بیمه اتکایی مورد تحریم قرار گرفت. کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز خدمات مربوط به حمل و نقل نفت خام مانند بیمه نفتکش‌ها را به ایران ارائه نکردند.

هدف این تحریم‌ها ایجاد اختلال در رسیدن نفت ایران به مقصد است. هر چند ایران با ایجاد بیمه‌های جایگزین توانست تا حدی این محدودیت‌ها را برطرف کند. همچنین برخی از کشورها مانند ژاپن خود به ایجاد بیمه‌ای برای جلوگیری از اختلال واردات نفت اقدام کردند.

در توافق‌نامه مقرر شده است که تحریم‌های مربوط به خدمات مورد نیاز برای جابه‌جایی نفت ایران همچون بیمه را تعلیق کنند. این مساله با توجه به حفظ سقف برای فروش نفت ایران، اثری بر افزایش صادرات نفت ایران نخواهد داشت و تنها حمل و نقل نفت ایران را تسهیل خواهد کرد.

### ۲-۳- تحریم‌های مربوط به دریافت پول نفت

به طور حتم مهم‌ترین بخش تحریم‌ها، تحریم‌های مربوط به دریافت پول نفت توسط دولت ایران است که در توافق‌نامه نیز به آن اشاره شده است.

رئیس‌جمهور آمریکا در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۱ «قانون اختیارات دفاع ملی» را امضا کرد. بر اساس این قانون بانک مرکزی ایران نمی‌تواند طرف یک تراکنش مالی باشد. پس از اعمال این قانون، دولت ایران در دریافت مبلغ حاصل از فروش نفت خود به کشورهای دیگر دچار مشکل شد. یکی از راه‌کارهای اتخاذ شده از سوی ایران، انتقال پول‌ها به کشورهای دیگر از جمله ترکیه و تبدیل آنها به طلا و سپس واردات آن بود. که این امر منجر به افزایش ذخیره طلای ایران شد. اما دولت آمریکا با دستور اجرایی ۱۳۶۲۲ جولای ۲۰۱۲ -مرداد ۱۳۹۱ تجارت طلا با ایران را تحریم کرد. بر این اساس ایران نمی‌توانست از بازارهای کشورهای دیگر طلا خریداری کند و به داخل کشور منتقل کند. یک ماه پس از این دستور اجرایی قانون کاهش تهدید ایران توسط کنگره آمریکا به تصویب رسید که شش ماه بعد از آن لازم‌الاجرا شد. (فوریه ۲۰۱۳ - اوایل اسفند ۱۳۹۱) این قانون واردکنندگان نفت ایران را ملزم می‌کند تا مبلغ نفت خریداری شده از ایران را در حسابی به نام ایران در همان کشور واریز کند. پول‌های نفتی در این حساب «قفل شده» و ایران نمی‌تواند آنها را به داخل کشور منتقل کند و یا آنها را به کشور ثالثی انتقال دهد و در تجارت با کشور ثالثی از آن استفاده کند. ایران تنها می‌تواند با این پول به تجارت دوجانبه با کشور میزبان در زمینه خریدهای انسان‌دوستانه مانند مواد خوراکی، دارویی و... پردازد.

بر این اساس می‌توان میزان دارایی‌های بلوکه شده حاصل از فروش نفت ایران را از زمان اجرای قانون فوق (اسفند ۱۳۹۱) تاکنون (آذر ۱۳۹۲)، اینگونه تخمین زد:

(۹ ماه)\* (۳۱ روز متوسط هر ماه)\* (۱۰۲ میلیون بشکه در روز صادرات نفت-تقریبی)\* (۱۰۰ دلار متوسط قیمت هر بشکه نفت = (۳۳ میلیارد و ۴۸۰ میلیون دلار)

البته این امکان وجود دارد که تا قبل از اجرای قانون فوق نیز بخشی از درآمدهای حاصل از فروش نفت در حساب‌های خارجی بانک مرکزی باقی مانده باشد و تمام آنها به طلا تبدیل نشده باشد. در حال حاضر برآوردهای مختلفی از میزان دارایی‌های بلوکه شده ایران ارایه می‌شود که از ۴۵ میلیارد دلار تا ۶۰ میلیارد را شامل می‌شود. همچنین میزان فروش نفت ایران در ۶ ماه مورد توافق را می‌توان اینگونه تخمین زد:

(۶ ماه)\* (۳۱ روز متوسط هر ماه)\* (۱۰۲ میلیون بشکه در روز صادرات نفت-تقریبی)\* (۱۰۰ دلار متوسط قیمت هر بشکه نفت = (۲۲ میلیارد و ۳۲۰ میلیون دلار)

آنچه که ایران می‌تواند از درآمد ناشی از فروش نفت خود به دست آورد؛ «مقداری توافق شده» خواهد بود که براساس بیانیه منتشر شده توسط کاخ سفید، این مقدار برابر با ۴/۲ میلیارد دلار است که ایران می‌تواند آن را به داخل کشور منتقل کند و باقی پول‌های بلوکه شده (شامل پول‌های قبلی و پول‌های ناشی از فروش نفت در این ۶ ماه) در همان وضعیت باقی خواهد ماند.

با توجه به متن توافق‌نامه، تحریم‌های فوق بدون هیچ تغییری باقی خواهد ماند، **جان کری** وزیر خارجه آمریکا در رابطه با این موضوع گفته است:

«جامعه بین‌المللی بخش‌هایی از تحریم‌ها را برمی‌دارد و این تحریم‌ها طوری است که دوباره می‌توان آنها را اعمال کرد. ۴/۲ میلیارد دلار از درآمدهایی ایران که طبق تحریم‌های بین‌المللی در کشورهای خارجی بلوکه شده بود، آزاد می‌شود و ایران می‌تواند به آن دسترسی داشته باشد... مهندسی اصلی بر روی تحریم‌ها همچنان ادامه دارد که شامل نفت و سرویس‌های مالی خواهد بود. در این ۶ ماه تحریم نفتی جای خودش می‌ماند که همین تحریم‌ها ۲۵ میلیارد دلار درآمد ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طبق این توافق، ایران به ۴۰۲ میلیارد دسترسی پیدا می‌کند ولی ۱۶ میلیارد دلار از فروش نفت ایران بلوکه است.»

## • جمع‌بندی بند اول تحریم‌ها

بر اساس توضیحات فوق می‌توان جمع‌بندی بند مربوطه را این گونه بیان کرد:

- ۱- ساختار اصلی تحریم‌های بخش فروش نفت و تحریم‌های بخش تولید نفت ایران دست نخورده باقی خواهد ماند.
- ۲- عرضه نفت ایران به میزان متوسط چند ماه اخیر که چیزی در حدود ۱۰۲ میلیون بشکه در روز برآورد شده است، بدون کاهش ادامه خواهد یافت.

۳- ایران تنها می‌تواند بخش مشخصی از درآمد نفتی خود را به دست آورد که کاخ سفید میزان آن را ۴۰۲ میلیارد دلار اعلام کرده است.

۴- رفع تحریم‌های طلا اثری بر دریافت درآمدهای نفتی ایران ندارد. چرا که مشکل اصلی در بلوکه شدن درآمدهای نفتی است و تا زمانی که قانون کاهش تهدید ایران پابرجا باشد، ایران نمی‌تواند غیر از مصارف مشخص، در جای دیگری از آنها استفاده کند.

۵- خرید اقلام بشر دوستانه مورد تحریم نبوده است و تنها اقلامی که مبدا آن اروپا بوده است به دلیل مشکلات انتقال پول، با مشکل مواجه شده بودند که در این توافقنامه مسیر دسترسی به آنها تسهیل شده است.

(ب) بند دوم

در بند بعدی به تحریم‌های دیگری اشاره شده است که در این مدت تعلیق خواهد شد. این بند می‌گوید:

«تعلیق تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا بر:

\*صادرات پتروشیمی ایران و نیز تعلیق تحریم خدمات مرتبط

\*طلا و فلزات گرانبها، و تعلیق تحریم خدمات مرتبط

\*تعلیق تحریم‌های آمریکا بر صنعت خودرو و تعلیق تحریم‌های خدمات مرتبط»

برای تحلیل این بند بهتر است هر کدام را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهیم.

#### ۱- تعلیق تحریم‌های مربوط به صادرات پتروشیمی

تحریم‌های مربوط به صادرات محصولات پتروشیمی به چند دسته تقسیم می‌شود. آمریکا از مدت زمان طولانی هرگونه واردات محصولات پتروشیمی را از ایران مورد تحریم قرار داده است. (اولین تحریم‌های اعمال شده علیه ایران در دهه اول انقلاب اسلامی) اما در سال‌های اخیر دولت آمریکا با استناد به اینکه صادرات محصولات پتروشیمی، دومین صادرات ایران پس از نفت است و درآمد آن سبب می‌شود دولت ایران سیاست‌های هسته‌ای خود را ادامه دهد، تحریم‌هایی علیه خریداران محصولات پتروشیمی ایران که از سوی بخش دولتی عرضه می‌شود، اعمال کرد. محدودیت‌های جدید بر اساس قانون کاهش تهدید ایران که در آگوست ۲۰۱۲ تصویب شد، اعمال می‌شود. اتحادیه اروپا نیز از ابتدای سال ۱۳۹۱ با تحریم خرید محصولات پتروشیمی از ایران، هم‌داستان آمریکا در این تحریم شد.

در توافقنامه آمده است که این تحریم‌ها و خدمات مرتبط با آن به حالت تعلیق درمی‌آید. برای بررسی میزان اثرگذاری این تعلیق لازم است صادرات محصولات پتروشیمی بررسی شود. بر اساس آمار منتشر شده میزان صادرات پتروشیمی در سال ۱۳۹۰ (قبل از اعمال تحریم‌های آمریکا و اروپا) برابر با ۱۴ میلیارد دلار بوده و در سال ۱۳۹۱ نیز

(سال اعمال تحریم) برابر با ۱۱ میلیارد دلار بوده است. در شش ماهه نخست امسال نیز میزان صادرات بیش از ۵ میلیارد دلار بوده است.

همانطور که مشاهده می‌شود در سال ۱۳۹۱ در حدود ۴ میلیارد دلار کاهش صادرات انجام شده است که می‌تواند تحت تاثیر تحریم بوده باشد. اما نظر کارشناسان این حوزه چیز دیگری است. در سال ۱۳۹۱ وزارت صنعت، معدن و تجارت مقرر می‌کند که ۴۰ درصد از محصولات پتروشیمی در بورس کالا عرضه شود و این تصمیم سبب می‌شود تا میزان صادرات این محصول در آن سال کاهش یابد.

دیر انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی، احمد مهدوی نیز بر این اعتقاد است که تحریم‌ها اثر جدی بر صادرات این حوزه نداشته است. وی گفت: «تحریم‌ها شاید حداکثر ۱۰ درصد روی کار ما اثر می‌گذاشت» وی درباره تحریم‌های کشتیرانی و تاثیر آن گفت: «پتروشیمی نیز مشکلی با این مسأله ندارد، شرکت‌ها خودشان کشتی خریده‌اند و ابزار لازم برای غلبه بر این تحریم‌ها را در اختیار دارند.»  
با توجه به نکات فوق می‌توان اینگونه جمع‌بندی کرد:

۱- بخش مهمی از صادرات محصولات پتروشیمی بدون آنکه تحریم بر آنها تاثیرگذار باشد، فعالیت می‌کنند که دلیل آن نیز حضور فعال بخش خصوصی در این حوزه و بازارهای جنوب شرق آسیا است.

۲- با تعلیق تحریم‌های این حوزه، بازارهای اروپایی برای صادرات این محصولات باز می‌شود و بخش دولتی ایران نیز می‌تواند به صادرات در این حوزه پردازد. با توجه به صحبت مسئولین این حوزه بیش از یک میلیارد دلار می‌تواند به درآمد ارزی کشور افزوده شود.

۳- این نگرانی وجود دارد که بازار شکل یافته حاصل از صادرات این محصولات به جنوب شرق آسیا، با تعلیق این تحریم‌ها تغییر کند و وابستگی به بازار نامطمئن اروپا افزایش یابد، به گونه‌ای که با بازگشت تحریم‌ها آسیب بیشتری با صادرات پتروشیمی وارد شود.

## ۲- تحریم‌های مربوط به تجارت طلا

همانطور که در توضیح بند مربوط به تحریم‌های نفتی توضیح داده شد، رئیس جمهور آمریکا طی دستور اجرایی ۱۳۶۲۲ (جولای ۲۰۱۲ - مرداد ۱۳۹۱) تجارت طلا با ایران را تحریم کرد. هدف این تحریم بر اساس توضیحی که دیوید کوهن، مسئول پیگیری تحریم ایران در کاخ سفید داده است، جلوگیری از انتقال طلا به داخل ایران به منظور تقویت ارزش ریال است.

دلیل اصلی تحریم طلا آن بود که دولت ایران بعد از تحریم بانک مرکزی، بخشی از درآمد نفتی را با انتقال به ترکیه تبدیل به طلا و آن را به داخل کشور منتقل می‌کرد. با این کار بخشی از درآمدهای نفتی به داخل کشور منتقل می‌شد و همچنین پشتوانه ریال افزایش می‌یافت.

نکته قابل توجه آن است که در حال حاضر و بعد از اجرای قانون کاهش تهدید ایران، درآمد نفتی ایران در کشور وارد کننده نفت، بلوکه می‌شود و ایران نمی‌تواند آن را به کشور ثالثی انتقال داده و یا اینکه کالایی غیر از محصولات انسان‌دوستانه خریداری کند. در نتیجه پولی برای خرید طلا وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر تا زمانی که پول‌های حاصل از فروش نفت بلوکه باشد، رفع تحریم طلا ارزشی نخواهد داشت.

### ۳- تحریم‌های مربوط به صنعت خودرو

رئیس جمهور آمریکا طی دستور اجرایی ۳ ژوئن ۲۰۱۳ (۱۳ خرداد ۱۳۹۲) صنعت خودرو ایران را تحریم کرد. بر اساس این تحریم‌ها تمام افرادی که در ارتباط با تأمین قطعه، مواد اولیه خودروسازی و خدمات پس از فروش با صنعت خودروسازی ایران اعم از خودروهای سبک و سنگین همکاری دارند، از ادامه همکاری منع شدند. درباره اثرات این تحریم بر صنعت خودرو ارزیابی دقیقی وجود ندارد. اما می‌توان اثرات آن را اینگونه بیان کرد: محدودیت در تأمین قطعاتی که در داخل تولید نمی‌شوند. خودروهایی مانند پژو ۲۰۶، تیبا و... اما واردات خودروی کامل در این مدت بدون مشکل ادامه داشت. آنچه که به عنوان مشکل اصلی ناشی از اعمال تحریم در صنعت خودرو مطرح می‌شود، اثرات تحریم بانکی و افزایش شدید نرخ ارز است.

همچنین fact sheet در بخش تعهدات ۵+۱ تصریح می‌نماید: بخش‌های مهم تحریم‌ها دست نخورده باقی می‌ماند. از جمله:

۱. تحریم علیه بانک مرکزی ایران و ده‌ها بانک بزرگ و نهاد مالی دیگر.
۲. تحریم‌های ثانویه که بر اساس لایحه جامع تحریم‌های ایران (سیسادا) علیه بانک‌هایی وضع شده است که با شرکت‌ها و اشخاص تحریم شده همکاری می‌کنند.
۳. تحریم کسانی که خدمات دیگر مالی همچون خدمات بیمه به ایران می‌دهند.
۴. دسترسی محدود به نظام مالی آمریکا
۵. همه تحریم‌ها علیه ۶۰۰ فرد و نهاد که با برنامه موشکی و هسته‌ای ایران همکاری می‌کنند، به قوت خود باقی می‌ماند.
۶. تحریم بخش‌های مختلف اقتصاد ایران از جمله کشتی‌رانی و کشتی‌سازی به قوت خود باقی می‌ماند.
۷. تحریم سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و منع ارائه خدمات فنی به بخش انرژی ایران به قوت خود باقی می‌ماند.
۸. تحریم علیه برنامه نظامی ایران به قوت خود باقی می‌ماند.
۹. محدودیت‌های گسترده آمریکا برای تجارت با ایران به قوت خود باقی می‌ماند.
۱۰. کلیه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل پابرجا می‌ماند.

علاوه بر همه ی این ها بنابر توافقنامه دست کنگره ی آمریکا برای تحریم های جدیدتر در ۶ ماه گام اول باز است، مگر آن که کمتر از دو سوم کنگره به تحریم رای دهند و رئیس جمهور آمریکا تحریم های جدید را وتو کند.

The U.S. Administration, acting consistent with the respective roles of the President and the Congress, will refrain from imposing new nuclear-related sanctions.

## ❖ استراتژی غرب: خلع سلاح ایران در مذاکرات جامع

در هر مذاکره ای در دنیا دو طرف مذاکره کننده با توجه به داشته های خود در مذاکرات ظاهر می شوند و می توانند از طرف مقابل امتیاز بگیرند. در ادامه با توجه شرح تعهدات متقابل ایران و گروه ۵+۱ در توافق نامه ژنو به بررسی نتایج این تعهدات در مذاکرات جامع می پردازیم:

در این راستا ایران در گام اول تعهدات زیر را پذیرفته است:

۱- از اورانیوم موجود غنی شده ۲۰ درصد، نیمی را به صورت اکسید ۲۰ درصد برای ساخت سوخت برای راکتور تحقیقاتی تهران نگهداری کند و بقیه  $UF_6$  با غنای ۲۰ درصد را به مواد کمتر از ۵ درصد رقیق نماید.

From the existing uranium enriched to 20%, retain half as working stock of 20% oxide for fabrication of fuel for the TRR. Dilute the remaining 20%  $UF_6$  to no more than 5%.

۲- ایران اعلام می کند برای این دوره ۶ ماهه، اورانیوم را بیشتر از ۵ درصد غنی سازی نخواهد کرد.

Iran announces that it will not enrich uranium over 5% for the duration of the 6 months.

۳- ایران اعلام می کند که هیچ پیشرفت بیشتری در فعالیت های خود در تأسیسات غنی سازی سوخت نطنز، فردو یا راکتور اراک (که با نام IR40 توسط آژانس شناخته می شود) انجام نخواهد داد.

Iran announces that it will not make any further advances of its activities at the Natanz Fuel Enrichment Plant, Fordow, or the Arak reactor, designated by the IAEA as IR-40.

۴- هنگامیکه خط تبدیل  $UF_6$  غنی شده ۵ درصد به  $UO_2$  آماده گردید، ایران تصمیم گرفته است مواد  $UF_6$  جدیداً غنی شده تا سطح ۵ درصد طی دوره شش ماهه را، به اکسید تبدیل کند، همان گونه که در برنامه عملیاتی کردن تأسیسات تبدیل، به آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام کرده است.



Beginning when the line for conversion of UF6 enriched up to 5% to UO2 is ready, Iran has decided to convert to oxide UF6 newly enriched up to 5% during the 6 month period, as provided in the operational schedule of the conversion plant declared to the IAEA.

۵- عدم بازفرآوری یا ساخت تأسیساتی که توانایی بازفرآوری داشته باشد.

No reprocessing or construction of a facility capable of reprocessing

بنابراین قبل از شروع مذاکره، ایران ابزارهایی داشت که به علت وجود آنها، آمریکایی ها برای آمدن به پای میز مذاکره، عجله داشتند. یک روز پس از توافق حاصل شده در مجلس سنای امریکا از نماینده اوباما این گونه سؤال شده است که: شما گفتید که ما یک ابزار فشار داشتیم به نام تحریم، با تحریم، ایرانی ها را وادار کردیم که به مذاکره بیایند و این متن را بپذیرند و طبق متن، ایران محدودیتهایی را می پذیرد. حال که ابزار تحریم به ما این توانایی را داده است، شما تحریم را افزایش می دادید تا ایران دستانش را بالا بیاورد و همه خواسته های ما را بپذیرد و بگوید که همه چیز را به شما می دهیم، تا تحریم ها را لغو کنید. چرا این کار را نکردید؟

جواب نماینده اوباما: « فقط ما ابزار فشار نداشتیم. ایران هم ابزار فشار داشت که باعث شد ما هم با عجله برویم سر میز مذاکره. ما یک ابزار داشتیم. ایران هم دو ابزار فشار داشت. اول این که مواد با غنای ۲۰ درصد داشت که در دو مرحله دیگر تبدیل می شد به ۹۰ درصد. این یک ابزار خطرناک بود. دوم هم پیشرفت هسته ای ایران بود. هر روز ایران چند سانتریفیوژ جدید نصب می کرد. مکان های جدید سانتریفیوژ و غنی سازی ایجاد می کرد. نظنز، فردو و مکان های جدید می ساخت. ایران نسل جدید دستگاه های هسته ای را نصب می کرد. دستگاه های هسته ای ایران رو به گسترش و مواد ایران نیز در حال افزایش یافتن بود و اگر مواد افزایش پیدا کنند، به مرحله ای از پیشرفت خواهند رسید که دیگر نمیشود جلوی ایران را گرفت.»

این تحلیل در اسناد و نظرات رسمی آمریکایی ها راجع به ابزار های ایران نیز قابل بررسی است:

۱- در fact sheet آمده است: «شش ماه آغازین، شامل اعمال محدودیت های مهم در برنامه هسته ای ایران است که باید به تدریج فوری ترین نگرانی های ما را از جمله توانمندی غنی سازی ایران، ذخایر کنونی اورانیوم غنی شده، تعداد و توانمندی هایش در زمینه سانتریفیوژها و توانایی اش در تولید پلوتونیوم در رآکتور اراک، برطرف سازد... در زمان گذشته، نگرانی این بود که ایران از مذاکرات برای وقت کشی و پیشبرد برنامه اش استفاده می کند. اما این اقدامات کمک خواهد کرد هنگامی که برای رسیدن به یک توافق جامع بلند مدت مذاکره می کنیم، ایران نتواند از سپر مذاکرات برای پیشبرد برنامه هسته ای اش استفاده کند.»

۲- وزیر امور خارجه آمریکا در مجلس نمایندگان آمریکا می گوید: «یکی از بزرگترین نگرانی های ما، تاسیسات رآکتور هسته ای اراک بوده است.»

۳- دیوید کوهن معاون وزیر خزانه داری آمریکا در جلسه استماع سنا، عقیده دارد تیم مذاکره کننده ایرانی به دلیل نیاز شدید به تعدیل تحریم ها تحت هیچ شرایطی از پای میز مذاکره بلند نخواهد شد وی ۳ امر را دلیل این موضوع دانسته است:

«اولا: درآمد ایران در صورت اجرای کامل طرح اقدام مشترک در ژنو بیش از ۷ میلیارد دلار نخواهد بود.»

ثانیا: تحریم های فعلی با قدرت اجرا خواهد شد و همین باعث می شود ایران در ماه های آینده مقادیر زیادی از درآمد نفتی خود را از دست بدهد.

ثالثا: اقتصاد ایران هنوز از وضعیت رکود تورمی خارج نشده است.»

به همین دلایل است که جاناتان سانزر، مسئول سابق وزارت خزانه داری آمریکا و قائم مقام مرکز «دفاع از دموکراسی ها» روز ۳۰ آذر طی مقاله ای در وب سایت پولیتیکو نوشته است که خروج ایران از مذاکرات کارشناسی در واکنش به اعمال تحریم های جدید از سوی آمریکا بیشتر یک بلوف بوده است.

جاناتان سانزر نوشته است: «ایرانی ها در واکنش به اقدام آمریکا، به نشانه اعتراض از مذاکرات وین خارج شدند. البته ایرانی ها بعد از چند روز مجدداً به میز مذاکره بازگشتند و خروج شان یک بلوف نسبتاً ضعیف بود.»

بنابراین پس از توافق نامه ی ژنو زمان به سود غربی ها در حال گذرست، زیرا پیشرفت هسته ای ایران متوقف شده و رآکتور آب سنگین اراک نیز از فعالیت بازداشته شده است. غربی ها نگرانی ای ندارند ولی سایه ی تحریم های بانکی و تحریم های نفتی غربی ها که جزء مهمترین تحریم ها هستند، همچنان بر سر ملت ایران سنگینی می کند. این سبب می شود که در مذاکرات جامع آنها بتوانند توقعات نابجایشان را مطرح کرده و آنها را به ایران تحمیل نمایند.

## ❖ اگر مذاکرات به نتیجه نرسد، چه چیزی از دست می دهیم؟

غربی ها در گام اول این توافق نامه نگفته اند که تحریم ها را لغو می کنیم بلکه گفته اند که تحریم ها فقط تعلیق می شوند. هم چنین دوره ی ۶ ماهه گام اول، با توافق طرفین، قابل تمدید است. این سبب می شود تا در صورتی که طرفین به هر دلیلی مایل به ادامه همکاری نبودند و گام اول را تمدید نکردند تحریم ها دوباره به حالت اولیه برگردد.

ممکن است برخی بگویند ایرادی ندارد همه چیز به نقطه ی شروع باز می گردد. بهتر است در این زمینه به نکات زیر توجه کنیم.

بعضی از موارد قابل بازگشت به حالت اول نیستند، به عنوان مثال:

۱. مواد غنی سازی ۲۰ در صد که طی چند سال تلاش دانشمندان به دست آمده بودند و به ۵ در صد تبدیل می شوند، به راحتی به وضعیت سابق باز نمی گردد.

۲. هزینه های ایران برای اقداماتی که بر اساس توافق نامه انجام شده است باز نمی گردد. مثلاً برای تبدیل مواد غنی سازی ۲۰ درصد به ۵ درصد باید خط معکوس ایجاد شود.

۳. همین که برنامه ی ایران مدتی تعلیق شده است، ضرر بزرگی است. همانند این است که یک پروژه ساختمان سازی در میانه پروژه در حالی که برای آن هزینه شده است، رها شود و به مدت ۶ ماه یا ۱ سال کار روی آن متوقف شود. پس از مدتی که کار آغاز می شود، مانند ۶ ماه قبل نیست. مقدار زیادی سرمایه راکد شده است، نیروی انسانی برای این قسمت آموزش دیده و متخصص است و می تواند در قسمت های دیگری نیز مشغول فعالیت شود و یقیناً بلافاصله پس از توقف، در قسمت های دیگری مشغول کار خواهد شد و پس از مدت کوتاهی، این بخش از متخصصین خالی خواهد شد. متخصصینی که برای پرورش آنها مدت زیادی زمان و انرژی فراوانی هزینه شده است. یکی از اهداف دشمن، از بین بردن و پراکنده کردن نیروی انسانی ماست که با این وقفه، تا حد زیادی به این هدف دست پیدا می کنند.

۴. ضمناً بعضی موارد اساساً قابل برگشت نیست. به عنوان مثال داخل متن گفته شده است که باید ایران اطلاعات مختلفی به آژانس ارائه کند. (Enhanced monitoring) و این ها اطلاعاتی هستند که تا کنون آمریکایی ها به بخش هایی از آن دسترسی نداشته اند و به هیچ وجه اطلاعات از دست رفته قابل بازگشت نیست.

در هر صورت آنچه قطعی بنظر می آید، اینکه؛ طرف غربی از هیچ ناحیه ی خاصی متضرر نمی گردد. شاید این سوال ایجاد شود که این مساله چه اهمیتی دارد؟ جواب این که؛ متن توافق نامه به شکلی طراحی شده است که در هر صورت به راه بی بازگرد ایران می انجامد، زیرا اگر در ضمن مذاکرات کارشناسی توافقی صورت نگیرد و راه حل جامعی برای

حل مشکل تدوین نگردد، نهایتاً گذر زمان فقط به ضرر ایران خواهد بود و غرب اساساً سرمایه ای در میان ندارد که بخواهد متضرر گردد.

## ❖ هدف از دوره ی زمانی طولانی مدت برای گام نهایی چیست؟

گام نهایی تقریباً از یک سال دیگر شروع می شود ولی زمان پایانی برای آن در نظر گرفته نشده است و منوط به توافق طرفین شده است. در نتیجه ایران هنوز نمی داند انتهای این اقدامات ویژه و فراتر از قانون چه زمانی است. هم چنین این دوره بلند مدت در نظر گرفته شده است تا انگیزه ی دانشمندان ایرانی و نیروی انسانی از بین برود.

اوباما در سابان می گوید: «باور جدی من این است که ما می توانیم یک توافق نهایی را تصور کنیم که به ما اطمینان می دهد حتی اگر آنها توانمندی ناچیز غنی سازی داشته باشند، آنقدر محدود خواهد بود و بازرسی های به حدی سرزده خواهند بود که آنها عملاً نمی توانند به ظرفیت آستانه هسته ای برسند، در فرض، آنها شاید هنوز کمی (از این توانمندی) داشته باشند. اما آنها واقعاً همیشه از این توانمندی خواهند داشت زیرا همانطور که گفتم، فناوری مذکور در دسترس است، در دسترس همه دانشجویان زرننگ فیزیک در هر دانشگاهی در دنیاست. و آنها تقریباً وارد چرخه شده اند و به نقطه ای از این دانش رسیده اند که ما قادر به از بین بردن آن نیستیم. اما می توانیم انگیزه های آنها را برای این کار از بین ببریم.»

یکی دیگر از انگیزه های اصلی دشمن برای طولانی تر کردن زمان اجرای طرح جامع، نگه داشتن فشار تحریم ها بر سر ملت ایران و امتیاز گیری از ایران است.

## ❖ آیا ایران حق و تو دارد؟

عبارت «هیچ چیزی توافق نمی شود مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود» ( nothing is agreed until everything is agreed ) همان اصل معروف به «همه یا هیچ» یعنی چه؟ و بر کدام موارد توافق نامه حاکم است؟ آیا ایران طبق این عبارت می تواند حق و تو داشته باشد؟

این عبارت دو مورد در متن آورده شده است. در خط نهم مقدمه آمده:

این راه حل جامع از یک کل متحد تشکیل می شود که هیچ چیزی توافق نمی شود مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود.

This comprehensive solution would constitute an integrated whole where nothing is agreed until everything is agreed.

و در خط آخر توافق نامه آمده:

در ارتباط با گام نهایی و هر گامی در میان (گام های میانی)، اصل استاندارد که "هیچ چیزی توافق نمی شود مگر اینکه در مورد همه چیز توافق شود"، اعمال می شود.

With respect to the final step and any steps in between, the standard principle that "nothing is agreed until everything is agreed" applies.

این عبارت این را می گوید که اگر در یک مورد به توافق نرسیدیم، مابقی مواردی که در موردشان به توافق رسیده ایم نیز لغو می شوند. یعنی ظاهراً هر یک از طرفین می تواند با عدم توافق بر یک مورد، کل توافق را لغو کند! (البته در مورد گام اول، فقط برای تمدید شدنش این عبارت صادق است.) ظاهر امر آن است که با وجود این عبارت در متن، ایران در اجرای مراحل توافق نامه حق و تو دارد و با این عبارت می تواند از حقوق خود در مراحل اجرا دفاع کند؛ اما نکات زیر کانه ای در این توافق نامه وجود دارد:

۱. سؤال اول این است که این «هیچ یا همه» یعنی چه؟ چرا و بر چه مبنایی است؟ اگر مثلاً در مذاکرات بعدی، ۱۰ ماده داشتیم، که بر سر ۹ مورد آن توافق رسیدیم؛ ولی یکی از آنها را قبول نداشتیم چه می شود؟ آیا مثلاً نمی شود در خصوص یک بخش جزئی توافق کرد و امتیازاتی در برابر آن گرفت؟ پاسخ «نه» است؛ یا همه را می پذیری، یا هیچ کدام قبول نمی شود، چون این اصل به هر دو طرف حق و تو داده است. حال آیا ما می توانیم از این حق و تو استفاده کنیم؟ مسأله این است اگر استفاده کنیم، آیا برایمان منفعتی دارد؟ چون ما می خواهیم تحریم ها را هم برداریم. اگر قبول نکنیم تحریم ها همچنان باقی می مانند و تشدید می شوند. توافق نامه نود و پنج درصد تحریم ها را نگه داشته است که البته آن ۹۵ درصد هم با افزودن مصادیق جدید برای قوانین تحریم پیشین، رو به افزایش است. یعنی عملاً چماق تحریم بالای سرمان است که هر چه می گویم را بپذیر. اگر قبول نکنی آنقدر تحریم ها را ادامه می دهیم تا تسلیم شوی. ما می توانیم مخالفت کنیم؛ ولی مخالفت و استفاده از حق و تو فایده ای ندارد، چرا که ما را به یکی از اهداف (برداشتن تحریم ها) نمی رساند پس عملاً و تو کردن از طرف ایران، غرض ما از مذاکرات را نقض می کند و برای ایران منجر به ضرر بیش از پیش خواهد شد.

۲. نکته دیگر این است که طبق بند آخر، اصل «همه یا هیچ»، در این پاراگراف تنها شامل گام نهایی و گامهای میانی سند امضاء شده در ژنو است. این یعنی گام اول را شامل این اصل ندانسته است؛ و گام اول گامی است که ایران متعهد شده از پیشرفت بیشتر تمامی برنامه هسته ای موجود از حیث ماشین ها، مواد، تاسیسات و تجهیزات (Halt) جلوگیری کرده و همچنین به عقب برگرداندن (Roll back) بخش های کلیدی برنامه از جمله غنی سازی ۲۰ درصد و ذخیره مواد ۲۰ درصد را انجام دهد. آن هم گامی که اتفاقاً در موارد متعدد قابل تمدید هم هست. یعنی طرف غربی چند! بار می تواند با سردواندن ایران، گام اول را تمدید کند و در پایان هیچ کاری هم نکند و طبق توافق، تیم مذاکره کننده ایران هم حق اعتراضی برایش در این سند

دیده نشده است. بخصوص اینکه اصل «همه یا هیچ» در مورد گامهای میانی و گام نهایی است. گامهایی که به راه حل جامعی اشاره کرده است، که هنوز تنظیم نشده و نیاز به مذاکرات دارد، حداقل مشکلی که ایجاد می کند طولانی و سخت کردن مذاکرات است.

۳. در همین زمینه وزیر خارجه آمریکا، جان کری، در جلسه کنگره در ۱۹ آذرماه گفته است:

«دستکم دو بار در این توافقنامه اشاره شده است که درباره هیچ چیز توافق نشده است، مگر آنکه درباره تک تک مسائل توافق وجود داشته باشد؛ و این در مسیر توافق نهایی ما نیز هست. علاوه بر این، در جایی که این [توافق] از غنی سازی احتمالی در آینده می گوید، دستکم چهار بار به «توافق دوجانبه درباره آن» اشاره می کند - سه یا چهار بار در آن پاراگراف به این موضوع اشاره شده است. در این خصوص باید توافق باشد اگر ما توافق نکنیم، این اتفاق نمی افتد.»

## ❖ آیا حق غنی سازی ۵ درصد ایران تثبیت شده است؟

در متن توافق نامه آمده است که:

گام های اضافی در میان اقدام های اولیه و گام نهایی، از جمله، در میان موارد دیگر، پرداختن به قطعنامه های شورای امنیت می باشد، با نظر به اینکه ملاحظه شورای امنیت سازمان ملل، در این موضوع، به صورت رضایت بخش، به نتیجه برسد.

There would be additional steps in between the initial measures and the final step, including, among other things, addressing the UN Security Council resolutions, with a view toward bringing to a satisfactory conclusion the UN Security Council's consideration of this matter.

مسئولین ایرانی می گویند غرب غنی سازی ۵ درصد را به رسمیت شناخته است. حال به متن توافق نامه مراجعه می کنیم تا رسمیت غنی سازی ۵ درصد را در آن ببینیم، در متن آمده است که در گام اول، غنی سازی بالای ۵ درصد باید تعطیل شود و در مورد غنی سازی پایین تر از ۵ درصد مطلبی گفته نشده است.

حال آیا مطلب فوق به معنای پذیرش غنی سازی ۵ درصد است؟ باید بگوییم که خیر. چرا که گام دوم توافق نامه، زمان شروع و پایان ندارد، یعنی می توان آن را قبل از پایان گام اول شروع کرد و به این شکل نیست که لزوماً پس از خاتمه گام اول، آن شروع شود. اگر در متن نوشته می شد که باید پس از پایان گام اول، گام دوم شروع شود، حداقل یقین می کردیم که طی ۶ ماه اول فقط بالای ۵ درصد را متوقف می کنیم. اما چون شروع گام دوم

تاریخ ندارد، غرب میتواند طبق گام دوم در همین ۶ ماه درخواست بررسی قطعنامه های شورای امنیت را داشته باشد و اگر بخواهیم قطعنامه ها بصورت رضایت بخش به نتیجه برسد، بایستی به مفاد آنها عمل نمائیم.

هنگامی هم که به مفاد قطع نامه ها مراجعه می کنیم، آن چه عیان است این که، یکی از مفاد آن ها، تعلیق غنی سازی ۵ درصد است! یعنی پس از زمان کوتاهی غرب می تواند هم زمان غنی سازی ۵ درصد و ۲۰ درصد را از ما بگیرد!

اگر ایران می خواست ۵ درصد را تعلیق نکند، باید در این قسمت این جمله آورده می شد؛ «گام های اضافی را بجز تعلیق ۵ درصد، انجام می دهیم». بر این اساس در دوران ۶ ماه اول، امکان تعلیق ۵ درصد وجود دارد. لذا غرب غنی سازی ۵ درصد ایران را به رسمیت نشناخته است. ضمن اینکه، طبق متن، ۵ درصد به رسمیت شناخته نشده است، بلکه متن میگوید که فعلا غنی سازی ۵ درصد را ادامه بدهید، تا در آینده تکلیف آن را هم روشن کنیم، در چه زمانی روشن خواهند کرد؟ طی گام نهایی به این موضوع مفصلا رسیدگی خواهند کرد.

مثلا فرض کنید: از اول ژانویه طبق گام نخست، ایران ۲۰٪ را تعلیق می کند، و مشغول گام دوم می شوند. تا بخواهند در مورد گام دوم به توافق برسند، مثلا یک ماه طول می کشد. در این یک ماه ایران ۵ درصد را ادامه می دهد، در ادامه در گام دوم غرب می گوید طبق قطعنامه شورای امنیت باید ۵٪ را تعلیق کنید؛ ۲۰٪ را هم که ایران در گام اول تعلیق کرده است، ۵٪ را هم در این قسمت تعلیق می کند.

حال سؤال مطرح است که پس از ۶ ماه، در صورتیکه غنی سازی ۵٪ را متوقف کرده ایم، آیا می توانیم گام اول را که تمدیدپذیر است؛ تمدید نکنیم و غنی سازی ۲۰ درصدمان را از سر بگیریم. خیر، چرا که در این صورت از هدف مذاکرات یعنی رسیدن به حق غنی سازی و رفع تحریم ها فاصله زیادی خواهیم گرفت و عملا نقض غرض می شود.

ضمناً در گام نهایی گفته شده است که باید بررسی شود که ایران practical need یعنی نیاز عملی دارد یا خیر؟ آمریکایی ها می گویند ندارد؛ چرا که ایرانی ها سوخت را برای نیروگاه هسته ای بوشهر می خواهند، که آن را هم روسیه وعده تأمینش را داده است. لذا آمریکایی ها می گویند چون ایران نیاز عملی ندارد، اجازه غنی سازی هم ندارد. پس نمی توانیم برای یک برنامه با ایران موافقت کنیم که غنی سازی ۵ یا ۲۰ درصد داشته باشد.

## ❖ تکلیف بازفرآوری چه می شود؟

در بازفرآوری چه اتفاقی می افتد؟ در این بخش سوخت مصرف شده را از نو بازفرآوری می کنند و از آن، در جهت مصرف به عنوان سوخت جدید استفاده می نمایند.

بازفرآوری از مراحل چرخه سوخت محسوب می گردد و در دایره حقوق هسته ای هر کشوری بحساب می آید و در صورت از دست دادند آن، در واقع بخشی از حقوق مسلم هسته ای مان را از دست داده ایم. بخش های مهمی از حقوق هسته ای عبارتند از: حق غنی سازی، حق بازفرآوری، حق داشتن راکتور آب سنگین (یعنی اراک)

در گام اول در متن قرار داد نوشته شده است:

عدم بازفرآوری یا ساخت تأسیساتی که توانایی بازفرآوری داشته باشد.

No reprocessing or construction of a facility capable of reprocessing

آیا ایران می تواند پس از ۶ ماه بازفرآوری را از سر بگیرد؟ مشخص نیست که ایران چه زمانی می تواند بازفرآوری را انجام دهد، چرا که گام نخست قابل تمدید است و می توانند آن قدر آن را تمدید کنند تا به گام نهایی برسیم. در عناصر گام نهایی هم که برای بلند مدت تنظیم خواهد شد، آمده است که: ایران نباید بازفرآوری انجام دهد. لذا بازفرآوری که یک مرحله مهم در چرخه سوخت هسته ای به حساب می آید در دو مرحله از ایران گرفته شده است.

## ❖ توافق ژنو 'شبهه تامین' ایران را به خطر می اندازد

یکی از مهم ترین نکات درباره بخش مربوط به دسترسی ها و بازرسی ها در توافق ژنو این است که در این بخش طرف ایرانی پذیرفته است که اطلاعات مربوط به پروژه هایی را در اختیار آژانس قرار بدهد که یا «هنوز آغاز نشده است» و یا اینکه «آغاز شده ولی ناقص» است.

گذشته از این که ارائه چنین اطلاعاتی حتی از پروتکل الحاقی هم فراتر است، یک مشکل بزرگ این روش این است که خलाهای اطلاعاتی طرف غربی درباره جزئیات فنی برنامه هسته ای ایران را پر کرده و امکان «جلوگیری از تکمیل پروژه ها» از طریق بستن راه های تامین مواد و قطعات را برای آن فراهم می کند.

حداقل در ۴ مورد مهم، ایران اطلاعاتی به آژانس -و به غربی ها- واگذار می کند که کاملاً می تواند در پروژه «عقیم گذاری» پروژه های هسته ای ایران به سرویس های اطلاعاتی غربی کمک کند:



۱- اطلاعات مربوط به طرح های (آینده) ایران برای تاسیسات هسته ای

۲- اطلاعات مربوط به منبع مواد

۳- اطلاعات مربوط به راکتور آب سنگین اراک

۴- اطلاعات مربوط به کارگاه های مونتاژ سانتریفیوژ

کشورهای غربی با در اختیار داشتن این اطلاعات و از طریق تحلیل فنی «پروژه های در دست اجرا» یا «برنامه های آتی» می توانند به این موضوع پی ببرند که کم و کاستی های ایران در حوزه مواد، قطعات و تجهیزات کجاست و مطابق رویه خود در یک دهه گذشته به روش های مختلف راه های تامین این نیازمندی ها را به روش های مختلف ببندند و به این ترتیب عملاً ممکن است وضعیتی بوجود بیاید که «شبکه تامین» مواد، تجهیزات و قطعات برای ایران ه شدت ناامن شده یا حتی به طور کامل به روی ایران بسته شود.

## ❖ آیا تحریم های جدید امریکا نقض نص توافق ژنو است؟

بنابر دلایل زیر، تحریم های جدید امریکانه مخالف روح، بلکه نقض صریح نص توافق ژنو است.

۱- استدلال اصلی امریکا این است که این تحریم، یک قانون، مصوبه یا فرمان اجرایی جدید نیست بلکه به روز رسانی فهرست مصادیق افراد و شرکت های تحت تحریم، طبق فرمان اجرایی شماره ۱۳۶۴۵ است که در تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۱۳ تصویب شده است. این استدلال بسیار مضحک تر از آن است که حتی اندکی جدی گرفته شود. نکته مهمی که در اینجا باید به آن توجه کرد این است که آنچه امریکا در توافق ژنو به آن متعهد شده این است که از اعمال (impose) هرگونه تحریم جدید خودداری کند. در توافق ژنو صحبتی از ممنوعیت تصوب قانون یا صدور فرمان اجرایی جدید از سوی رییس جمهور امریکا به میان نیامده است. امریکا طبق توافق ژنو متعهد است به طور کلی از اعمال هر نوع تحریم جدید هسته ای خودداری کند و این به وضوح در برگیرنده تحریم های جدیدی که طبق قوانین قدیمی اعمال می شود هم هست. در واقع آنچه امریکایی ها به روز رسانی تحریم های قبلی می خوانند، چیزی جز تحریم جدید نیست چرا که بر اساس این فرآیند عملاً کسانی تحریم می شوند که پیش از این تحریم نبوده اند و مفهوم «تحریم جدید» هم چیزی جز این نیست.

اگر تیم ایرانی نتواند تکلیف این مسئله یعنی توقف مصداق یابی برای قوانین تحریمی پیشین را در مذاکرات کارشناسی روشن کند، و این فرآیند تداوم یابد، امریکایی ها قادر خواهند بود در این پوشش هر فرد، شرکت و نهادی را که بخواهند تحریم کنند و ایران هم حق هیچ اعتراضی نخواهد داشت و بندهایی که توافق ژنو که وعده می دهد در آینده تحریم جدیدی علیه ایران اعمال نخواهد شد بالکل بی معنا می شود.

۲- مسئله دوم این است که این اقدام دولت امریکا آشکارا با اصل حسن نیت (good faith) که در توافق ژنو مورد تاکید بوده در تناقض است. عمل به این اصل، مستلزم آن است که دو طرف از انجام اقداماتی که حتی به طور تلویحی و غیر صریح فضای مثبت موجود را به هم می زند خودداری کنند چه رسد به اینکه یک طرف یکی از پایه های اصلی توافق، یعنی عدم گسترش رژیم تحریم ها را تخریب نماید.

۳- مسئله سوم به بندی از عهد نامه ۱۹۶۹ وین باز می گردد که عملاً حاکم بر همه معاهدات بین المللی دیگر است. طبق ماده ۱۸ از این کنوانسیون، یک کشور ملزم است از اقداماتی که به هدف و منظور یک معاهده لطمه وارد می کند (حتی قبل از لازم الاجرا شدن آن) خودداری ورزد. اقدام امریکا مستقیماً نقض این ماده از عهدنامه ۱۹۶۹ است و شرایطی بوجود می آورد که هدف اصلی این توافق که مطابق اعلام دو طرف عدم گسترش (Halt) برنامه هسته ای ایران در ازای عدم گسترش رژیم تحریم هاست، از سوی طرف امریکایی کاملاً بی ارزش پنداشته و نقض شود.

رفتار دولت امریکا در اعمال تحریم های جدید نه فقط غیر قانونی بلکه عمیقاً اهانت آمیز است. تیم مذاکره کننده قبل از آنکه مدافع حقوق ملت ایران باشد، مدافع عزت و شخصیت آنهاست. ایستادگی بر سر این مسئله و منتفی کردن روند مصداق یابی برای تحریم هایی که پیش تر اعمال شده، در کنار عدم تصویب یا اعمال تحریم های جدید، اندکی از تردیدها درباره مقصدی که این معاهده ما را به سمت آن روان کرده و نیت واقعی که امریکایی ها در سر دارند، خواهد کاست. اما اگر دولت امریکا با این امر مخالفت کند، کم هزینه ترین راه برای توقف برنامه هسته ای و تداوم اعمال تحریم هاست.

## ❖ آیا قید « نیازهای عملی » می تواند به استقلال کشور خدشه ای وارد آورد؟

یکی از قیودی که در متن توافق نامه به برنامه غنی سازی ایران الحاق شده، قید نیازهای واقعی و عملی (practical needs) است. توضیح آن که نیاز واقعی به این معناست که؛ ایران بایستی بگوید روزانه به چه میزان اورانیوم غنی شده و برای چه اموری نیاز دارد. ایران دارای ۲ رآکتور فعال بوشهر و تهران است و رآکتور اراک طبق توافقات تا اطلاع ثانوی تعلیق شده است. رآکتور بوشهر نیز نیاز واقعی به سوخت تولیدی ندارد، زیرا سوخت آن را روسیه تأمین می نماید. پس ایران برای این رآکتور نیز نیازی به غنی سازی نخواهد داشت. برای رآکتور تهران هم که به سوخت نیاز است طبق توافق نامه نیمی از ذخایر اورانیم ۲۰ درصد ایران رقیق شده و برای سوخت آن بکارگیری می گردد. بنابراین عملاً ایران هیچ گونه نیاز واقعی - بنابر تعریف طرف مقابل - به غنی سازی نخواهد داشت. در همین راستا ادعا و برداشت طرف امریکایی جالب توجه است:

جان کری در جلسه استماع کمیسیون روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکا در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۹۲ ( ۱۰ دسامبر ۲۰۱۳ ) می گوید:

« نیازهای عملی چیست؟ شاید کمی تحقیقات در حوزه پزشکی، یا تأمین سوخت کافی در برنامه مورد توافق که ممکن است در کنسرسیومی با افراد دیگری انجام گیرد، افرادی که کاملاً به عملکرد و نتایج آن اشراف دارند.»

سناتور جان تستر در جلسه استماع ۲۱ آذر کمیسیون بانکداری سنا، نیز نیازهای عملی ایران را زیر سوال می‌برد و وندی شرمَن به عنوان مسئول تیم مذاکره‌کننده در پاسخ چنین می‌گوید:

تستر: آخرین سوال. ایران چهارمین ذخایر نفت جهان را دارد و دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی. چرا باید ایران به انرژی هسته‌ای علاقه نشان دهد؟

شرمن: « این پرسش بسیار خوبی است. این سوالی است که ما بارها و بارها از آنها پرسیده‌ایم و به همین دلیل این "برنامه اقدام مشترک" می‌گوید ما می‌خواهیم بدانیم نیازهای عملی آنها چیست. چون، کاملاً صادقانه بگویم، برای ما روشن نیست که چرا آنها باید ۱۹۰۰۰ سانتریفیوژ داشته باشند، چرا باید یک انبار مواد غنی شده ۳,۵ درصد بخواهند، چرا به راکتور هسته‌ای اراک نیاز دارند و به این ترتیب، این چیزی است که ما می‌خواهیم از طریق رسیدن به یک توافق جامع روی آن کار کنیم.»

بدین ترتیب آنچه محرز می‌نماید این نکته است که ؛ با تقیید برنامه غنی سازی ایران به نیازهای عملی و واقعی، قطعاً از ماده ۴ معاهده ان پی تی که در آن حق هر کشوری جهت غنی سازی و کاربرد فقط مقید به صلح آمیز بودن آن است، به شدت تنزل نموده ایم و آینده امور فناوری و صنعتی جدی ترین منبع انرژی کشور در دهه های آتی را به تفسیر کشورهای بیگانه واگذار نموده ایم و این چیزی نخواهد بود جزء تهدید استقلال اقتصادی و علمی کشور.

## ❖ با این توافقنامه همکاری روسیه و چین را از دست داده ایم

روسیه و چین در مواضع رسمی خود با تحریم های یک جانبه علیه ایران مخالف بودند. نکته جالب در این توافق نامه آن است که برای اولین بار روس ها و چینی ها امضای خود را بر روی سندی گذاشته اند که عملاً تحریم های یک جانبه امریکا را به رسمیت می شناسد و آنها را محل معامله و چانه زنی قرار داده است. این یعنی آنکه از این پس دور زدن این تحریم ها و یا عدم پذیرش آنها برای مسکو و پکن کار ساده ای نیست و برای آنها هزینه دیپلماتیک خواهد داشت. حتی در صورت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت نبایست انتظار وتوی قطعنامه های آمریکا علیه ایران را از طرف این دو کشور داشته باشیم

در پایان ذکر یک نکته ضروری می نماید و آن این که؛ گاه دیده می شود که برخی دوستان استناد به اظهارات مقام های امریکایی را محل اشکال دانسته و مدعی می شوند که نباید مواضع امریکایی ها را در این حوزه ملاک دانست. این حرف بسیار عجیب و ناپخته است. طرف اصلی دعوا در این منازعه امریکا است. این امریکا است که باید غنی سازی را به رسمیت بشناسد و باز این امریکا است که باید تحریم ها را تعدیل کند. وقتی خود امریکایی ها می گویند غنی سازی را در این توافق به رسمیت نشناخته اند و تحریم ها را هم جز اندکی (که اعداد و ارقامش را هم منتشر کرده اند) تعدیل نخواهند کرد، اتفاقا باید این حرف ها را جدی گرفت. این همه هزینه نشده است که ما خودمان برنامه غنی سازی را برای خودمان به رسمیت بشناسیم. اگر دستاوردی هم وجود داشته باشد، آنجاست که امریکا موضع رسمی خود را چه درباره غنی سازی و چه درباره تحریم ها تغییر بدهد.

جهت اطلاع از :

آخرین اخبار و تحلیل ها پیرامون مذاکرات  
کارشناسی

و روند برنامه هسته ای ایران

به آدرس وبلاگ [geneve.blogfa.com](http://geneve.blogfa.com) مراجعه نمایید.